

اصل استقلال و بی‌طرفی در داوری تجاری بین‌المللی

سید محمد اسدی نژاد*

تاریخ دریافت: ۹۱/۹/۱۹

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۱/۳۰

چکیده

اصل استقلال و بی‌طرفی داوران در داوری‌های بین‌المللی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. وجود اصل مذکور در مقررات و رعایت آن توسط داوران ماهیت قضایی داوری را بیش از پیش به عدالت نزدیک نموده و موجب می‌گردد تا رای داوری به طور عادلانه صادر گردیده و در هنگام اجرا با ایرادی مواجه نگردد. همان‌طور که قاضی دادگاه دولتی باید مستقل و بی‌طرف باشد داور نیز چنین است. بنابراین داور منتخب طرفین نباید وکیل ایشان محسوب گردد. در مقررات داوری تجاری بین‌المللی ایران و آنستیرال و سازمان جهانی مالکیت فکری با تاکید بر این اصل بین استقلال و بی‌طرفی تفاوت گذاشته شده است. در مقررات مذکور مصادیق عدم استقلال و جانبداری بیان نشده و فقط در صورت وجود اوضاع و احوالی که باعث تردیدهای موجه گردد داور قابل جرح دانسته شده است. در این مقاله ضمن بیان مفهوم حقوقی استقلال و بی‌طرفی در مقررات داوری‌های بین‌المللی ایران و آنستیرال و سازمان جهانی مالکیت فکری بحث خواهد شد.

واژه های کلیدی: داوری، داوری بین‌المللی، استقلال، بی‌طرفی

مقدمه

چون هدف از داوری اعم از داوری اعم از داخلی و بین المللی مانند قضاوت و دادرسی در دادگاه‌های دادگستری حل و فصل اختلاف به صورت عادلانه است بنابراین رعایت اصل استقلال واصل بی طرفی در داوریه‌های بین المللی مانند آنچه که در رسیدگی قضایی در دادگاه دادگستری است ضرورت دارد. در واقع لازمه رسیدگی عادلانه رعایت اصل استقلال و بی طرفی است

همان طور که قاضی دادگاه دادگستری باید مستقل و بی طرف باشد داور نیز باید دارای چنین اوصافی باشد در غیر این صورت وفق اغلب مقررات داوری‌های بین المللی مورد جرح قرار گرفته و رأی صادره نیز قابل ابطال شناخته شده است. بنابراین هر چقدر اصل استقلال و بی طرفی در مقررات پر رنگ و دارای ضمانت اجراء بوده باشد داوری و رسیدگی و حکم صادره عادلانه و منصفانه خواهد بود.

وجود اصل بی طرفی و استقلال در داوری موجب گرایش طرفین دعوا به داوری می‌گردد و در واقع کلید پیشرفت داوری بین المللی است. این اصل به جریان رسیدگی توسط داور، ماهیت قضایی می‌بخشد. تفاوت عمده میانجیگری و داوری نیز در این است که در میانجیگری رعایت اصل مذکور ضرورت ندارد در حالی که در داوری اعم از داوری ملی و بین المللی اصل استقلال و بی طرفی باید مراعات گردد. به ویژه در داوری‌های بین المللی هدف طرفین دعوا از مراجعه به داوری به جای مراجعه به دادگاه کشور متبوع طرفین دعوا و قاضی دولتی قضاوت عادلانه و مستقل و بدون گرایش و جانبداری است.

به این ترتیب پذیرش اصل بی طرفی و استقلال داور منوط به این است که داور را مانند یک قاضی دادگستری مورد شناسایی قرار دهیم. بنابراین اگر داور را به عنوان وکیل و نماینده طرف دعوا بدانیم و او را تا این حد تنزل دهیم بی طرف و مستقل نخواهد بود [Walton & Vitora, 1982:233]. در حالی که حتی داوران اختصاصی وکیل طرفین محسوب نمی‌گردند. اگر آنها را وکیل طرفین بدانیم باید از موکلین خود پیروی کنند و اگر

پیروی نکنند در مقابل آنها مسئول خواهند بود (الجمال و عبدل العال، ۱۹۹۸: ۳۱) در هر صورت در داوری های کنونی استقلال و بی طرفی از شرایط و اوصاف اساسی داور محسوب می گردد، اعم از اینکه داور اختصاصی باشد یا مشترک چون هدف از مراجعه به داوری به انتظار عدالت بهتر از دادگاه های دادگستری است (صفایی، ۱۳۸۷: ۹۱). بنابراین اصل مذکور باید در هنگام داوری ملموس باشد. بعد از پذیرش اصل مذکور بدیهی است در صورت ظهور عدم بی طرفی و عدم استقلال داوران، موضوع دارای آثار حقوقی بوده و ذینفع با اثبات آن می تواند حقوق خود را اعمال نماید.

سازمان جهانی مالکیت فکری وابسته به سازمان ملل متحد، در زمینه حل و فصل اختلافات مالکیت فکری نهادی را به نام مرکز داوری سازمان جهانی مالکیت فکری تاسیس و مقررات داوری عادی و فوری را وضع نموده است. در مقررات مذکور به اصل استقلال و بی طرفی اهمیت فوق العاده داده شده تا طرفین دعوا با اطمینان خاطر از این مقررات در حل و فصل اختلافات راجع به مالکیت فکری استفاده نمایند.

در این مقاله ضمن بحث کلی راجع به اصل استقلال و بی طرفی در داوری، اصل مذکور را در مقررات داوری سازمان جهانی مالکیت فکری و قانون داوری تجاری بین المللی ایران تجزیه و تحلیل کرده و به سوالات ذیل پاسخ خواهیم داد:

۱- چه تفاوتی بین مفهوم استقلال و بی طرفی وجود دارد؟

۲- آیا این دو اصل در مقررات داوری تجاری بین المللی ایران در نظر گرفته شده و همه مراحل داوری نیز نهادینه شده است و به اصطلاح در همه مقررات متبلور شده است؟

۳- در صورت وجود تردید موجهی نسبت به استقلال و بی طرفی داوران چه ضمانت اجرایی در مقررات داوری در نظر گرفته شده است؟

ولی قبل از هر چیز لازم است گفته شود که استقلال و بی طرفی اگر مفهوم واحدی داشته باشد یک اصل واحد محسوب می گردد اما اگر دو مفهوم جداگانه داشته باشند دو اصل جداگانه محسوب شده هر چند از حیث نتیجه و حکم مربوط یکسان

هستند. هم‌چنین لازم است گفته شود که استقلال و بی‌طرفی از این حیث که از ارکان داورى عادلانه محسوب می‌گردد جزء اصول محسوب شده و قانون‌گذار سعی کرده تا اصول مذکور را در اغلب مقررات داورى و فرایند آن یعنی قبل از شروع به رسیدگی و بعد از شروع به رسیدگی تاختم رسیدگی در مواد مختلف متبلور نماید.

۱- مفهوم بی‌طرفی و استقلال

دو اصطلاح استقلال و بی‌طرفی در اغلب مقررات داورى بین‌المللی جدید به عنوان اوصاف اصلی داوران آورده شده اما مقررات مذکور تعریفی از آنها ارائه ننموده‌اند. بدیهی است بین اصطلاح بی‌طرفی و استقلال تفاوت وجود دارد. اصطلاح بی‌طرفی معادل Impartiality و اصطلاح استقلال معادل Independentce می‌باشد. این دو اصطلاح برخلاف تصور بعضی از محققان [جنیدی، ۱۳۷۸ : ۵۹ و تاپ من، مترجم میرفخرایی، ۱۳۹۶ : ۱۷۲] از حیث مفهوم و معنی تفاوت اساسی داشته و در مقررات و قوانین داورى بین‌المللی به هر دو اصطلاح تاکید شده است. از نظر لغوی بین اصطلاح بی‌طرفی و استقلال تفاوت وجود دارد تفکیک بین این دو در رسیدگی موثر خواهد بود.

الف- بی‌طرفی^۱

متضاد کلمه بی‌طرفی در واقع طرفداری، تمایل، هم‌فکری، جانب‌داری و تبعیض است. نویسندگان حقوقی [Alam, 2004:3] معادل متضاد Impartiality را bias و Prijudice دانسته‌اند.

نقض بی‌طرفی می‌تواند مربوط به تمایل یک داور بنفع یکی از طرفین یا تمایل داور در ارتباط با موضوع دعوا باشد و این مفهوم نسبت به

مفهوم استقلال انتزاعی تر است [Redfern & Hunter, 1991:220] ولی برعکس، مفهوم استقلال و عدم استقلال داور کمتر انتزاعی بوده هر چند که می‌تواند عینی و ذهنی باشد.^۲ داور مستقل کسی است که هیچ‌گونه رابطه مالی^۳ به مفهوم وابستگی مالی و یا رابطه خویشاوندی و یا غیر آن با یکی از طرفین دعوا نداشته باشد. بنابر این مفهوم استقلال برخلاف مفهوم بی‌طرفی عینیت دارد، به طوری که ملاک رابطه داور با طرف دعوا از حیث شخصی و مالی است که قابل اندازه‌گیری است.

اصطلاح دیگری که در بعضی از مقررات داوری^۴ و توسط بعضی از حقوق‌دانان در این زمینه استعمال شده است اصطلاح *Neutrality*^۵ است به طوری که این اصطلاح باعث ایجاد ابهام گردیده است تا جایی که آن را مترادف *Impartiality* دانسته‌اند. اما *Neutrality* جنبه معروف و شناخته شده‌اش اشاره به بی‌طرفی تابعیتی^۶ دارد و هنگامی که طرفین از تابعیت متفاوت هستند و داور سوم انتخاب می‌کنند تابعیت آن باید با تابعیت هیچ‌یک از طرفین یکسان نباشد.

از نظر برخی از حقوق‌دانان مفهوم *Neutrality* در جایی است که یک طرف شخصی را به عنوان داور انتخاب نموده که به طور کلی و یا از حیث شخصیتی به طرف او گرایش داشته با این حال داور تعیین شده قضاوت بی‌طرفانه خود را نسبت به طرفین اعمال نماید [Lalive, 1969:22 & Redfern, 1991:221]. این مفهوم فقط در مورد داور منتخب طرفین صادق است اما سرداور بدون گرایش انتخاب شده و باید بی‌طرف باشد.

بنابراین مهم نیست که داور نسبت به یکی از طرفین تمایلات ذهنی داشته یا نداشته باشد (*Neutrality or non*) مهم این است که بی‌طرف (*Impartiality*) باشد. معمولاً در داوری تجاری بین المللی داور انتخاب شده توسط طرفین دعوا برای از دست ندادن موقعیت خود، از اظهار نظر در جلسات داوری که بیانگر گرایش و هم‌فکری او با یکی از طرفین است، خودداری می‌کند. مقررات انجمن داوری آمریکا و اصول اخلاقی کانون وکلای بین المللی^۷ در این زمینه مواردی را

پیش بینی نموده و راه کارهایی را ارایه نموده است. اول این که داوران متمایل (non neutral) یعنی داورانی که گرایش و هم فکری با طرفی که آنها را انتخاب نموده دارند در همه عرصه ها باید با حسن نیت و منصفانه و عاری از عیب عمل نمایند. به عنوان مثال چنین داورانی نباید از شیوه های تاخیر در دادرسی استفاده کنند یا این که شاهد طرف مقابل را تحت فشار قرار داده و نباید به طور زیرکانه اظهارات گمراه کننده و غیرواقعی در جلسات داورى ارایه نمایند. بدیهی است اظهار نظر ماهوی دادرس (یا داور) قبل از صدور رای از موارد جانبداری است (بروجردی، ۱۳۸۱: ۶۹). حتی اگر داور براساس معلوماتی که به طور شخصی قبل از طرح دعوا بدست آورده باشد و در دادرسی آن را دخالت دهد داور در حد شاهد تنزل پیدا می کند (همان: ۷۲).

ب) استقلال

استقلال یعنی آزادی داشتن، بدون مداخله کسی کار خود را اداره کردن و یا به جای بلند آمدن است و متضاد وابسته بودن است [عمید، ۱۳۷۹: ۱۴۷]. مفهوم استقلال به هیچ وجه مترادف با مفهوم بی طرفی نبوده و قابل جایگزینی نیست. مفهوم استقلال برخلاف مفهوم بی طرفی کمتر انتزاعی بوده هر چند که می تواند هم ماهیت عینی و هم ذهنی و شخصی باشد. داور مستقل کسی است که هیچ گونه رابطه مالی و غیر آن (مثل خویشاوندی) با هیچ یک از طرفین نداشته باشد [Calvo, 1998: 64]. رابطه مالی و خویشاوندی اعم از سببی یا نسبی، رابطه شغلی و حرفه ای موجب وابستگی انسان ها به یکدیگر است به طوری که شخص برای حفظ منافع بالقوه مالی و خانواده اش ممکن است که نتواند قضاوت عادلانه نماید. بدیهی است منظور از این منافع بالقوه منافع مستقیم و قابل ملاحظه است. بنابر این هر گونه منافع احتمالی و ضعیف و غیرمستقیم باعث ایجاد خدشه به استقلال شخص نمی گردد. هم چنین هر گونه رابطه خویشاوندی موجب تردید

در استقلال طرف نمی‌گردد. لازم به ذکر است که در خصوص موضوع استقلال و عدم رابطه شخصی و یا تجاری باید گفته شود که افراط در این موضوع موجب دور شدن از اهداف اصلی داوری است چون‌که در هر صورت ممکن است داوران با طرفین روابط تجاری داشته باشند و از طرفی در انتخاب داوران همواره تاکید شده که داور باید نسبت به حوزه های فنی، تجاری موضوع اختلاف آشنایی نسبی داشته باشند. بنابراین فقدان هر گونه ارتباط نسبت به رشته خاص ممکن است موجب بروز اشکال و زیان گردد و اجرای عدالت را تحت تاثیر قرار دهد. بنابراین درجه‌ای از ارتباطات یا بعضی از روابط اجتناب ناپذیر است. در واقع چنانچه هر ارتباطی فی نفسه برای سلب صلاحیت داور کفایت کند این امر موجب گسیختن هر چه بیشتر جریان داوری در تمامی مراحل دادرسی می‌گردد. قاضی وایت در دعوی *Commonwelath Coatings Corp V. Continental Casualty co.* در سال ۱۹۶۸ گفته است [Redfern, 1991: 221]: به جهت این‌که اغلب داوران اشخاص کاری بوده و جدا از بازار نیستند و این امر در وظیفه داوری آنها موثر است، من خود دلیلی بر عدم صلاحیت داورانی که بیشترین اطلاعات را داشته و توانایی چنین ظرفیتی را دارند نمی‌بینم.

۲- رابطه بین بی طرفی و استقلال

همان طور که ملاحظه گردید دو اصطلاح بی طرفی و استقلال کاملاً متفاوت بوده و قابل جابجایی و تعویض^۸ نیستند. در عین حال در بعضی از موارد لازم و ملزوم یکدیگر بوده به طوری‌که داوری که استقلال نداشته باشد در مظان اتهام بوده و بی طرفی خود را از دست خواهد داد. از طرف دیگر در بعضی از موارد شخص ممکن است با رفتار خود بی طرفی را از دست داده اما استقلالش حفظ شده باشد. بنابر این دو اصطلاح مذکور کاملاً متفاوت هستند.

در روابط بین الملل هدف از ارجاع امر به داوری به جای مراجعه به دادگاه‌های دادگستری در واقع اجرای عدالت است. نظام داوری فضای هم سطحی را برای طرفین ایجاد می‌کند. مثلاً برای حل و فصل اختلافات دو کشور وام دهنده و وام گیرنده دادگاه کشورهای طرفین نمی‌تواند بی‌طرف و مستقل باشند. در چنین شرایطی داوری به‌عنوان یک روش رسیدگی بی‌طرف معرفی می‌شود. بنابراین اگر داوران بی‌طرف نباشند موجب نقض غرض است. مثلاً در قرارداد همکاری ایران و فرانسه برای احداث یک نیروگاه اتمی در ایران که متضمن اعطای وام و ضمانتنامه بود شرط داوری ذکر شده بود. در سال ۱۹۷۹ در دعوی فیما بین که در محاکم ژنو و پاریس مطرح شده بود ایران به‌عنوان کشور وام گیرنده به همین شرط داوری استناد کرد.^۹ بدیهی است هدف از استناد به شرط داوری به این علت بود که پرونده از محاکم دادگستری کشورهای مذکور که ممکن است بی‌طرف نباشند خارج گردد.

بی‌طرفی و استقلال داوران از اصول اساسی و راهبردی عدالت می‌باشد و حق اساسی طرفین است که موضوع اختلاف توسط داور یا داوران بی‌طرف و مستقل و منصف حل و فصل گردد. خواهیم دید که عدم تحقق چنین شرطی موجب می‌گردد تا رای داوری در معرض بطلان قرار گیرد.

مندرجات ماده‌ی ۲۲ مقررات داوری سازمان جهانی مالکیت فکری معیار این سازمان در تعیین داوران است. ماده‌ی مذکور مقرر می‌دارد:

الف- هر کدام از داوران باید بی‌طرف و مستقل باشند.

ب- هر داور کاندید شده و سایر داورانی که انتخاب شده‌اند باید قبل از قبولی هر گونه اوضاع و احوالی که موجب شک و تردید موجه در مورد استقلال و بی‌طرفی آنها می‌شود به طرفین و مرکز اعلام نماید.

ج- اگر در جریان داوری اوضاع و احوال جدیدی که موجب شک و تردید موجهی در مورد استقلال و بی‌طرفی داور باشد بوجود آید داور باید فوراً چنین اوضاع و احوالی را برای طرفین، مرکز و سایر داوران افشاء نماید.

ممکن است در بادی امر بعد از مطالعه مقررات بین المللی از جمله مقررات سازمان جهانی مالکیت فکری گفته شود که این مقررات هیچ گونه ضابطه‌ای برای تعیین داوران خاصه داوران منتخب از ناحیه طرفین تعیین نکرده است در حالی که با دقت در ماده‌ی ۲۲ مقررات داوری سازمان مذکور مشخص می‌گردد طرفین دعوا نمی‌توانند هر شخصی را به‌عنوان داور خود تعیین نمایند. در واقع ملاک موجود در ماده ۲۲ مذکور برای طرفین دعوا در انتخاب اشخاص محدودیت ایجاد می‌کند. بنابراین می‌توان گفت که عمومیت ماده‌ی ۲۲ شامل تمامی داوران است و فرقی بین داوران منتخب از ناحیه طرفین و سرداور و یا داوران تعیین شده توسط موسسات داوری یا دادگاه‌های دادگستری نیست. تمامی داوران مذکور باید اشخاص بی‌طرف و مستقل باشند.

علاوه بر این داوران منتخب طرفین در واقع داور (قضاوت کننده) هستند و نباید به‌عنوان وکیل مدافع هر طرف عمل نمایند. در مقررات دیوان داوری بین المللی لندن^{۱۰} برای رفع هر گونه شبهه‌ای به این نکات توجه داده شده است. می‌توان گفت ضابطه ماده‌ی ۲۲ مقررات مذکور تضمین کننده عدالت است. استقلال و بی‌طرفی در داوری بین المللی (احتمالاً برخلاف برخی از داوری‌های داخلی) می‌تواند تضمین کننده عدالت در جریان رسیدگی باشد. می‌توان گفت که با وجود اصل بی‌طرفی نیازی به تاکید در رعایت حقوق طرفین در هنگام دادرسی از جمله ایجاد فرصت مناسب و یا حق دفاع نیست. اصطلاح بی‌طرفی می‌تواند شامل همه این موارد باشد تا جائیکه برخی معتقدند [تاپ من، ۱۳۶۹ : ۱۷۲] که اصطلاح بی‌طرفی می‌تواند شامل اصطلاح استقلال نیز باشد به طوری که ضابطه و ملاک اصلی فقط بی‌طرفی خواهد بود. در اهمیت بی‌طرفی محکمه همین بس که گفته شود بی‌طرفی دادرسی و داور شرط لازم بلکه کافی برای دادرسی عادلانه و منصفانه است (Redish 2001:12) می‌توان مستقل بود ولی نسبت به طرفین جانبداری کرد (vencent, 2003:492) در هر صورت هدف از تاکید نسبت به اصل استقلال و بی‌طرفی و رعایت تساوی اجرای عدالت است. عدالت نه فقط باید اجرا شود بلکه اجرای آن باید به طور کامل مشهود و ملموس باشد

(آشوری، ۱۳۸۳: ۳۳۳). در قرآن کریم بارها به اجرای عدالت در همه موارد از جمله در هنگام دادرسی تاکید می‌نماید: «وإذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل (آیه ۵۸ سوره نساء)». حتی در گفتار و در همه موارد بر عدالت تاکید می‌نماید: «وإذا قلت فاعدلو (آیه ۱۵۲ سوره انعام)». در روایات نیز نه تنها بر این امر تاکید شده بلکه به اجرای عدالت ملموس و مشهود دستورات و احکام خاصی وارد شده است. به طور مثال علی (ع) بی‌طرفی کامل در دادرسی و رعایت مساوات را در تشریفات رسیدگی لازم می‌داند. حتی به انجام دادرسی در ملاء عام و در مسجد را توصیه می‌کند زیرا دادرسی در جای خلوت را موجب وهن دانسته است (محدث نوری، ۱۳۴۷: ۳۸). بدیهی است دادرسی در جای غیر علنی دادرسی را قادر خواهد ساخت تا هر طور که بخواهد رفتار نماید و هم‌چنین موجب ورود اتهامات گردد (موسوی، ۱۹۹۹: ۳۸). علی (ع) می‌فرماید: «من ابتلی بالقضاء فلیواس بینهم فی الاشارة و فی النظر و فی المجلس یعنی کسی که بین مردم به قضاوت اشتغال ورزد باید در نگاه کردن، در محل نشستن و در اشاره کردن بین اصحاب دعوا مساوات برقرار کند (حرعاملی، ۱۴۱۰: ۱۵۷)». در نامه‌ی ۴۶ نهج البلاغه نیز به همین امر تاکید شده است (شهیدی، ۱۳۷۴: ۷۴). حتی علی (ع) عمل‌کرد و رفتار خلیفه دوم را در هنگام دادرسی که با او به احترام رفتار کرده و با کنیه ابوالحسن او را صدا کرده ناپسند دیده و به او متذکر شده بود (بلغی، ۱۳۵۸: ۲۴۹). بنابراین برای این‌که داور بی‌طرفی خود را ثابت کند باید در تمام شئون دادرسی مراقب رفتار و عملکرد خود بوده و بی‌طرفی خود را هم در مسایل شکلی و هم ماهوی اعمال نماید. در واقع چنین امری واجب است: «يجب علی القاضی التسویه بین الخصمین (نجفی، بیتا: جلد ۴۰: ۱۳۹) و (شهیدثانی، ۱۳۶۵: جلد اول، ۷۲) و (حسینی، ۱۴۱۹: جلد ۱۰، ۳۰)».

۳- استقلال و بی طرفی در مقررات بین المللی داوری

تقریباً در تمامی مقررات داوری بین المللی به هر دو معیار استقلال و بی طرفی تاکید شده است. ماده ۹ قواعد داوری آنسیترال و ماده ۱۲ قانون نمونه داوری آنسیترال به هر دو اصطلاح استقلال و بی طرفی تاکید نموده اند.

مطابق ماده ۳۵ و ۵۲ کنوانسیون ۱۹۶۵ واشنگتن در مورد حل و فصل اختلافات مربوط به سرمایه گذاری بین دولت ها و اتباع دیگر، همچنین مطابق ماده ۴ مقررات اصول اخلاقی کانون وکلای بین المللی داور باید بی طرف و مستقل باشد. در اصول اخلاقی کانون وکلای بین المللی برای داوران بین المللی نیز که بین ضوابط مورد نظر برای داوران منصوب و داوران منفرد و سرداور قایل به تفکیک نیست شرط بی طرفی و استقلال بعنوان شرط اساسی می باشد. ماده ۵ (۲) و (۳) مقررات دیوان داوری بین المللی لندن نیز مقرر می دارد که تمامی داورانی که به موجب این قواعد داوری می کنند باید مستقل و بی طرف باشند.

ماده ۷ قواعد داوری بین المللی انجمن داوری بین المللی آمریکا نیز در عین حالی که به آزادی طرفین توجه نموده و اجازه شرط خلاف داده است، با این حال بر بی طرفی و استقلال داوران تاکید دارد: به غیر از مواردی که طرفین برخلاف آن توافق کرده باشند داوران به موجب این قواعد بصورت بی طرفانه و مستقل عمل می نماید.

اما مقررات اتاق بازرگانی بین المللی برخلاف تمامی مقررات فوق فقط از استقلال داوران سخن به میان آورده و از اصطلاح بی طرفی ذکر کرده به میان نیاورده است. طبق ماده ۷ (۱) مقررات مذکور: هر داور باید مستقل از طرفین باقی بماند.^{۱۱}

هر چند در متن اتاق بازرگانی بین المللی به شرط استقلال توجه شده است، با این اوصاف تاییدی بر مفهوم اروپایی آن است بدین معنی که یک داور تعیین شده نباید به گونه ای عمل کند که گویی نماینده یا عامل طرف تعیین کننده است یعنی باید با قید بی طرفی اقدام کند [Park, Paulsson, 1990:212].

شاید واضعین مقررات اتاق بازرگانی بین المللی مفهوم استقلال را شامل بی- طرفی دانسته و نیازی به قید اصطلاح بی طرفی ندانسته‌اند. در هر صورت مطابق ماده ۱۱ مقررات اتاق بازرگانی بین المللی جرح داور می‌تواند مبتنی بر ادعای عدم استقلال یا سایر علل باشد.^{۱۲} بنابراین قید سایر علل مطمئناً شامل عدم بی- طرفی داور نیز می‌شود [Bond, 1984: 175]. به نظر می‌رسد که قواعد داوری آنسیترال^{۱۳} نیز بین استقلال و بی طرفی تفاوتی قائل نشده است چون که از ظاهر ماده ۹ قواعد مذکور و استفاده از حرف (یا) بین دو اصطلاح مذکور چنین چیزی قابل برداشت است. در قانون داوری انگلستان مصوب ۱۹۹۶ فقط از اصطلاح «بی طرفی» به عنوان زمینه ای برای جرح داوران نام برده شده است: این که اوضاع و احوال موجود منجر به شک و تردید موجهی در باره بی طرفی داور شود.^{۱۴} به این ترتیب در حقوق انگلیس مفهوم استقلال و عدم استقلال جایگاهی ندارد مگر این که رابطه داور و یکی از طرفین موجب شک و تردید موجهی در باره بی طرفی داور شود. یعنی می‌توان گفت در انگلیس در هر مورد نمی‌توان داور را به علت فقدان استقلال مورد جرح قرارداد مگر این که منجر به فقدان بی طرفی (جانبداری) گردد. در حقوق انگلیس فقط دو اصل اساسی به عنوان اصول انصاف طبیعی در حل و فصل اختلاف طرفین در نظر گرفته شده است: اول این که هر قاضی و یا داور باید در دعوا جانبداری نکرده و ذینفع نباشد. دوم این که به هر یک از طرفین دعوا فرصت کافی برای دفاع داده شود [Bernstein, 1998: 81].

در قانون داوری تجاری بین المللی ایران به تبعیت از قانون نمونه داوری آنسیترال هر دو اصطلاح استقلال و بی طرفی ذکر شده است. ماده ۱۲ (۱) قانون داوری تجاری بین المللی ایران مقرر می‌دارد:

داور در صورتی قابل جرح است که اوضاع و احوال موجود باعث تردیدهای موجهی در خصوص بی طرفی و استقلال او شود و یا این که واجد اوصافی که مورد توافق و نظر طرفین بوده است، نباشد هر طرف صرفاً به استناد عللی که پس از تعیین داور از آنها مطلع شده می‌تواند داوری را که خود تعیین کرده و یا در جریان تعیین او مشارکت داشته است، جرح کند.

(۲): شخصی که به عنوان داور پیشنهاد می شود باید هرگونه اوضاع و احوالی را که موجب تردید موجه در مورد بی طرفی و استقلال او می شود افشاء نماید. داور باید از زمان انتصاب به عنوان داور و در طول جریان داوری نیز بروز چنین اوضاع و احوالی را بدون تاخیر به طرفین اطلاع دهد [Barker&Davis,1989:116] مگر این که قبلاً آنان را از اوضاع و احوال مذکور مطلع نموده باشد. به نظر می رسد که قانون گذار، بین دو اصطلاح استقلال و بی طرفی تفاوت قایل شده است.

۴-موارد عدم استقلال و جانبداری

معمولاً در حقوق داخلی و داوری ملی سعی می شود که فهرستی از مواردی که بیانگر عدم استقلال و بی طرفی باشد ارائه گردد و اگر چنین فهرستی در داوری داخلی تعیین نگردیده باشد از همان معیار و ضوابط تعیین شده برای قضات درآیین دادرسی استفاده می شود. با این اوصاف لازم به ذکر است که اصولاً در مورد داوران میزانی از انعطاف و نرمی در ارتباط با بی طرفی و استقلال آنها در نظر گرفته می شود. یعنی در داوری به داوران برخلاف قضات اجازه داده می شود که تحت شرایطی با طرفی که آنها را انتخاب کرده تماس برقرار نمایند [Defina,1999:386]. اما در داوری بین المللی فهرست جامعی از مواردی که موجب تردید موجهی در زمینه بی طرفی و استقلال داور بین المللی گردد وجود ندارد چون که شرایط و اوضاع و احوال در هر زمان و هر مورد متغیر است. با این اوصاف مواردی از جمله در استخدام بودن، رابطه خویشاوندی نزدیک با یکی از طرفین، نماینده یا مشاور بودن یا رابطه خویشاوندی نزدیک با همسر یکی از طرفین، یا با شاهدین آنها می تواند تعیین کننده باشد. و یا اگر بدون داشتن وابستگی در طول جریان داوری رسیدگی جانبدارانه نموده در واقع بی طرفی را رعایت نکرده باشند.

قانون آیین دادرسی مدنی ایران در ماده ۶۶۹ سعی کرده مواردی که بیانگر عدم استقلال است ذکر کند. ماده ی مذکور مقرر می دارد:

دادگاه نمی‌تواند اشخاص زیر را به سمت داور معین نماید مگر با تراضی طرفین:

- ۱- کسانی که سن آنان کمتر از بیست و پنج سال تمام باشد.
- ۲- کسانی که در دعوا ذی نفع باشند.
- ۳- کسانی که با یکی از اصحاب دعوا قرابت سببی یا نسبی تا درجه دوم از طبقه سوم داشته باشند.
- ۴- کسانی که قیم یا کفیل یا وکیل یا مباشر امور یکی از اصحاب دعوا باشند یا یکی از اصحاب دعوا مباشر امور آنان باشد.
- ۵- کسانی که خود یا همسرانشان وارث یکی از اصحاب دعوا باشند.
- ۶- کسانی که با یکی از اصحاب دعوا یا با اشخاصی که قرابت نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم با یکی از اصحاب دعوا دارند، در گذشته یا حال دادرسی کیفی داشته باشند.
- ۷- کسانی که خود یا همسرانشان و یا یکی از اقربای سببی یا نسبی تا درجه دوم از طبقه سوم او با یکی از اصحاب دعوا یا زوجه و یا یکی از اقربای نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم او دادرسی مدنی دارند.
- ۸- کارمندان دولت در حوزه مأموریت آنان.

در هر صورت در قانون داوری تجاری بین المللی شیوه مناسبی برگزیده شده و مصادیقی از جانبداری و عدم استقلال ذکر نشده است و فقط در ماده‌ی ۱۲ (۱) و (۲) جمله «تردید های موجهی» ذکر شده است. با این حال یکی از مصادیق «تردید های موجه» مندرجات ماده‌ی ۱۱ (۱) قانون داوری تجاری بین المللی ایران است:

طرف ایرانی نمی‌تواند مادامی که اختلاف ایجاد نشده است به نحوی از انحاء ملزم شود که در صورت بروز اختلاف حل آن را به داوری یک یا چند نفر مرجوع نماید که آن شخص یا اشخاص دارای همان تابعیتی باشند که طرف یا اطراف وی دارند.

همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد داوری تجاری بین المللی ایران در راستای ماده‌ی ۴۵۶ ق. ا. د. م، تابعیت را در بی طرفی تاثیر گذار دانسته است؛ هم‌چنین در ماده‌ی ۱۱ (۴) به مقام ناصب تاکید نموده که سر داور را باید از کشور ثالث انتخاب نماید و هم‌چنین داور طرف ممتنع باید از بین اتباع کشور طرف دیگر تعیین نگردد. اصل حاکمیت اراده و اصل تساوی اتباع بیگانه و تابعین کشور اقتضا دارد که تابعیت تاثیری در استقلال و بی طرفی نداشته باشد آنچه در مورد داور اهمیت دارد شایستگی علمی و اخلاقی و تجربه اوست نه تابعیت. در کنوانسیون ژنو (۱۹۶۱) نیز هیچ‌گونه منعی یا توصیه ای در مورد انتخاب بیگانه پیش بینی نشده است [صفایی، ۱۳۷۷: ۱۵ و ۱۴].

در هر صورت به‌غیر از آنچه گفته شد قانون داوری تجاری بین المللی ایران در راستای قانون نمونه داوری آنسیترال اقدام به ذکر مصادیق ننموده است. با این اوصاف می‌توان گفت که صرف ظهور تمایل و گرایش به یک طرف کافی است که داور را بی طرف ندانند هر چند که کاری انجام نداده باشد، کما این که از بعضی آراء صادره توسط دادگاه عالی آمریکا و دادگاه‌های انگلیس چنین موضوعی قابل برداشت است البته لازم به ذکر است که، دادگاه‌های فدرال آمریکا صرف اظهار تمایل را برای سلب داوری از داور کافی ندانسته‌اند [Http://WIPO, Events, 1994:3].

به‌نظر می‌رسد که مواردی را که قانون آیین دادرسی مدنی در ماده‌ی ۴۶۹ بیان کرده است می‌توان به‌عنوان مواردی از عدم استقلال داور در داوری تجاری بین-المللی نیز محسوب کرد (البته بجز مورد اول). علاوه بر این در اکثر موارد باید دقت شود که آیا داور با یکی از طرفین دعوا رابطه‌ای داشته و یا رابطه دارد یا خیر؟ به‌عبارت دیگر استقلال داور مورد تردید موجه قرار می‌گیرد یا خیر؟ مثلا داور قبلا برای یکی از طرفین دعوا مشاوره می‌داده و یا وکیل او بوده است. در این‌گونه موارد چون وکیل یا مشاور حقوق بگیر وی بوده نمی‌تواند مستقل باشد. اما در بعضی از موارد نمی‌توان با قاطعیت حکم بر عدم استقلال داور داد، مثلا کارمند و یا مشاور و یا مقام دولتی بودن داور، در داوری‌های بین المللی نتایج متفاوتی داشته

است. مثلاً در یکی از موارد، داور به علت این که قبلاً به عنوان مقام حکومتی کشور عربستان سعودی بوده مستقیماً مورد جرح قرار می‌گیرد؛ در حالی که در یک داوری بین دولت نیکاراگوئه و شرکت مواد غذایی آمریکایی که یکی از داوران قبلاً مشاور دولت آمریکا در موضوع داوری بوده اما جرح واقع شده مورد قبول قرار نگرفت [Berg, A, 1997: 509].

بدیهی است در این گونه موارد مطابق قانون داوری تجاری بین المللی ایران صرفاً هم وطن بودن داور با یکی از طرفین دعوا برای ایراد جرح کفایت می‌کند. اما آنچه از ماده‌ی ۱۲ (۱) و (۲) قانون داوری تجاری بین المللی ایران و ماده‌ی ۲۲ مقررات داوری سازمان جهانی مالکیت فکری استنباط می‌شود به شرح ذیل تبیین می‌گردد:

۱- وجود تردید های موجه نه احتمالی: در صورت وجود اوضاع و احوالی که باعث تردیدهای موجه در خصوص بی طرفی و استقلال داوران گردد داور قابل جرح می باشد.

بنابراین صرف تردید و سوءظن کفایت نمی‌کند بلکه چنانچه اوضاع و احوال و قرائن و اماراتی که تردید موجه ایجاد نمایند موجب جرح داوران است. پس مطابق ماده‌ی ۱۲ قانون داوری تجاری بین المللی ایران هرگونه اوضاع و احوال که قطعاً موجب تردید موجه است مد نظر قرار گرفته است در حالی که در متن ماده‌ی ۱۲ قانون نمونه (آنیسترال) که الگوی قانون داوری تجاری بین المللی ایران است اصطلاح و جمله «ممکن است موجب تردید موجه شود»^{۱۵} قید شده است. از این حیث بین قانون داوری تجاری بین المللی ایران و مقررات داوری سازمان جهانی مالکیت فکری تفاوتی نیست. به نظر می‌رسد که متون مذکور نسبت به متن قانون نمونه از این حیث منطقی تر و معقول تر است.

۲- مطابق قانون داوری تجاری بین المللی ایران و مقررات داوری سازمان جهانی مالکیت فکری وظیفه داوران نسبت به افشاء هر گونه اوضاع و احوال که تردید موجه ایجاد نماید مستمر بوده و نه تنها قبل از قبولی بلکه بعد از قبولی و تا ختم دادرسی ادامه دارد [Baker & Davis, 1989: 116]. بنابراین اگر داور با یکی

از طرفین دعوا تعارض منفعت داشته و آن را افشاء نکند و بعد از صدور حکم این موضوع آشکار گردد و حکم صادره مورد چالش قرار گرفته باشد آیا می توان حکم را باطل کرد؟ قانون داوری تجاری بین المللی ایران و مقررات داوری سازمان جهانی مالکیت فکری صراحتاً پاسخی به این سوال نداده و در مرحله اجرای حکم نیز مقررات کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ صراحتاً پاسخ نداده است، با این اوصاف می توان گفت اجرای چنین حکمی برخلاف نظم عمومی محسوب می گردد. براساس ماده ۵ (۲) ب کنوانسیون مذکور می توان از اجرای رأی صادره خودداری نمود و مطابق ماده ۳۴ (۲) قانون داوری تجاری بین المللی ایران چنین رأیی باطل است.

۳- وظیفه داوران این است که بدون تاخیر^{۱۶} بعد از انتخاب و یا بعد از بوجود آمدن اوضاع و احوال بی طرفی موضوع را به طرفین و سایر داوران اطلاع دهند. به این ترتیب اگر داور در این اطلاع رسانی تاخیر نماید چنین تاخیری موجب تضرر طرف دعوا گردد براساس قواعد مسئولیت مدنی مسئول جبران خسارت وارده می باشد.

علاوه بر این موازین حقوقی اقتضا دارد که به چنین داورانی هیچ گونه حق الزحمه ای تعلق نگیرد. در واقع می توان گفت عمل داور در افشاء نکردن موضوع یک عمل اداری بوده که قبل از شروع به داوری و تشکیل هیات داوری بوده و از این حیث داور مصونیت قضایی نخواهد داشت.

۴- مطابق قانون داوری تجاری بین المللی ایران داوران وظیفه دارند که موضوع مذکور را به طرفین و سایر داوران اعم از این که داوران توسط طرفین یا توسط موسسه داوری و یا توسط دادگاه انتخاب شده باشد اطلاع دهند. مقررات داوری سازمان جهانی مالکیت فکری نه تنها داوران را مکلف به اطلاع رسانی راجع به این امر به طرفین و سایر داوران نموده بلکه مکلف نموده تا موضوع را به اطلاع مرکز داوری نیز برسانند.

۵- مطابق قانون داوری تجاری بین المللی ایران هر طرف صرفاً به استناد عللی که پس از تعیین داور از آنها مطلع شده می تواند داور را جرح نماید. بنابراین اگر

یک طرف در هنگام انتخاب و تعیین داور راجع به اوضاع و احوال موجود که تردید موجه در خصوص بی‌طرفی و استقلال ایجاد می‌نماید اطلاع داشته و با علم به این موضوع اقدام به انتخاب داور مذکور نموده است دیگر نمی‌تواند اقدام به جرح داور نماید، در حالی مقررات داوری سازمان جهانی مالکیت فکری نسبت به این امر تصریحی ندارد.

به نظر می‌رسد که چون این امر از بدیهیات بوده لذا در مقررات داوری سازمان جهانی مالکیت فکری گنجانده نشده است با این حال قانون نمونه آنسترال در قسمت اخیر ماده‌ی ۱۲ (۲) مانند داوری تجاری بین المللی ایران راجع به این امر تاکید دارد.

در اینجا لازم به ذکر است که مقررات داوری سازمان جهانی مالکیت فکری بگونه‌ای تنظیم شده که اصل بی‌طرفی و استقلال را تضمین می‌نماید و در واقع سعی شده که به گونه‌ای موجب اطمینان خاطر طرفین دعوا گردیده تا در اجرای حکم صادره طرف دیگر با مانع جدی برخورد نکند. مثلاً مقررات داوری سازمان جهانی مالکیت فکری در عین حال که اصل آزادی طرفین را در مورد تابعیت داوران پذیرفته با این حال تابعیت را نیز به گونه‌ای در بی‌طرفی تاثیر داده است. چنانکه ماده‌ی ۲۰ مقررات داوری مقرر می‌دارد:

الف) طرفین دعوا باید در مورد تابعیت داور به توافق برسند.

ب) اگر طرفین در مورد تابعیت داور منفرد یا سرداور به توافق نرسند چنانچه طرفین ویژگی خاصی را تعیین نکرده باشند داور باید از کشوری غیر از کشور متبوع طرفین انتخاب گردد.

همان‌طور که ملاحظه می‌گردد تعیین داور بی‌طرف از حیث تابعیت فقط در مورد داور منفرد و یا سرداور است که طرفین در انتخاب او به توافق نرسیده‌اند. بنابراین طرفین اختیار دارند که داور منتخب خود را با هر نوع تابعیتی که بخواهند انتخاب نمایند. در حالی که مطابق ماده‌ی ۱۱ (۱) قانون داوری تجاری بین المللی ایران طرفین نمی‌توانند در مورد تابعیت داور توافق نمایند. لازم به ذکر است که

مطابق مادهی ۱۱ (۴) قانون داوری تجاری بین المللی ایران مانند مادهی ۲۰ (ب) موضوع تابعیت را در بی طرفی داوران لحاظ نموده است.

علاوه بر این مقررات داوری سازمان جهانی مالکیت فکری برای تضمین هر چه بیشتر رعایت اصل بی طرفی طرفین دعوا را از ارتباط با مرجع داوری و داوران منع نموده است. چنان که در مادهی ۴۵ مقرر می‌دارد:

به غیر از مواردی که به موجب این مقررات و یا در مواردی که داوران جایز بدانند، هیچ‌یک از طرفین دعوا و یا نمایندگان آنها حق ندارند در خصوص موضوعات اصلی مربوط به داوری ارتباط یک‌جانبه با داوران برقرار نمایند. ارتباط در خصوص موضوعات مربوط به تشکیلات داوری مثل فراهم کردن مکان داوری، تعیین تاریخ یا زمان استماع دادرسی بلامانع است.

مادهی ۲۱ مقررات داوری سازمان جهانی مالکیت فکری نیز در راستای حفظ اصل بی طرفی مقرر می‌دارد که: هیچ‌یک از طرفین دعوا یا کسانی که به نمایندگی از آنها عمل می‌نمایند حق ندارند که ارتباط یک‌جانبه با کاندیدای داوری داشته باشند صرفاً می‌توان در مورد اوصاف آنها، و در دسترس بودن و در مورد استقلال آنها گفت‌وگو شود.

همان‌طور که ملاحظه می‌گردد مندرجات مادهی ۲۱ قبل از انتخاب و مادهی ۴۵ بعد از انتخاب داوران می‌باشد و هدف این است که جلوی ارتباط یک‌جانبه گرفته شود. قانون داوری تجاری بین المللی ایران و قانون نمونه داوری آنسیترال و هم-چنین قواعد داوری اتاق بازرگانی بین المللی فاقد چنین مقرره‌ای است. مقررات داوری انجمن داوری آمریکا و مرکز داوری بین المللی لندن نیز حاوی قواعدی است که مانع ارتباط یک‌جانبه است. در قواعد داوری آنسیترال^{۱۷} نیز سعی شده است که مانع ارتباط یک‌جانبه بین یکی از طرفین و داوران گردد.

نتیجه گیری

یکی از اصول مهم داوری بین المللی اصل استقلال و اصل بی طرفی داوران است. در واقع می توان گفت لازمه رسیدگی عادلانه و منصفانه در داوریها رعایت اصل مذکور است. داور مانند قاضی دادگاه دولتی بوده و جریان رسیدگی داوری نیز دارای ماهیت قضایی است و رأی صادره توسط داوران مانند رای قاضی محکمه دارای اعتبار مختوم می باشد.

بنابراین اگر داور را به عنوان وکیل و نماینده طرفین دعوا بدانیم برخلاف اصل مذکور می باشد لاجرم باید داوران را وکلاء طرفین ندانسته هر چند که توسط طرفین انتخاب می شوند. از طرف دیگر جهت ایجاد تمایل و گرایش و تشویق طرفین دعوا و ایجاد اطمینان خاطر در داوریهای بین المللی باید اصل استقلال و بی طرفی وجود داشته و دارای ضمانت اجراء باشد. اصطلاح استقلال و بی طرفی دو واژه متفاوت می باشد. داور مستقل کسی است که هیچ گونه رابطه مالی و یا خویشاوندی با هیچ یک از طرفین دعوا نداشته باشد.

داور بی طرف کسی است که تمایلی نسبت به طرفین دعوا نداشته و یا تمایلی در ارتباط با موضوع دعوا نداشته باشد. بنابراین مفهوم بی طرفی نسبت به مفهوم استقلال تفاوت داشته و انتزاعی تر است.

تقریباً در تمامی مقررات داوری بین المللی به هر دو اصطلاح استقلال و بی طرفی تاکید شده است. ماده ۹ قواعد داوری آنسیترال، ماده ۱۲ قانون نمونه داوری آنسیترال، ماده ۳۵ و ۵۲ کنوانسیون ۱۹۶۵ واشنگتن در مورد حل و فصل اختلافات مربوط به سرمایه گذاری بین دولت ها و ماده ۴ مقررات اصول اخلاقی کانون وکلای بین المللی اصول اخلاقی کانون وکلای بین المللی و ماده ۲۱۵ و (۳) مقررات دادگاه داوری بین المللی لندن دادگاه داوری بین المللی لندن و ماده ۷ قواعد داوری بین المللی آمریکا انجمن داوری بین المللی آمریکا به استقلال و بی طرفی داوران اشاره داشته اند اما مقررات داوری اتاق بازرگانی بین المللی اتاق بازرگانی بین المللی برخلاف مقررات فوق فقط از استقلال داوران سخن به میان آورده است.

در ماده‌ی ۱۲ قانون داوری تجاری بین المللی ایران به هر دو اصطلاح تاکید شده و به نظر می‌رسد که قانون‌گذار بین دو اصطلاح استقلال و بی‌طرفی تفاوت قایل شده است. ماده‌ی ۲۲ مقررات داوری سازمان جهانی مالکیت فکری نیز تاکید می‌نماید که داوران باید مستقل و بی‌طرفی باشند.

در قانون داوری تجاری بین المللی ایران و قواعد داوری سازمان جهانی مالکیت فکری مصادیقی از عدم استقلال و جانبداری بیان نشده بلکه فقط گفته شده که در صورت وجود اوضاع و احوالی که باعث تردیدهای موجه در خصوص بی‌طرفی و استقلال داوران گردد داوران مستقل و بی‌طرف محسوب نمی‌گردد. علاوه بر این داوران مکلف هستند اوضاع و احوال مذکور را قبل از انتخاب افشاء نمایند هم‌چنین بعد از انتخاب تا پایان مراحل دادرسی اطلاع دهند و این وظیفه مستمر می‌باشد، البته اگر تردید موجه بعد از صدور رأی آشکار شود مقررات مذکور ضمانت اجرایی قایل نشده‌اند با این اوصاف می‌توان گفت اجرای چنین آرای بر خلاف نظم عمومی محسوب می‌گردد و بر طبق ماده‌ی ۵ (۲) ب کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ باید از اجرای رأی صادره خودداری نمود و مطابق ماده ۳۲ (۲) قانون داوری تجاری بین المللی ایران چنین رای بی باطل محسوب می‌گردد.

مقررات داوری سازمان جهانی مالکیت فکری جهت اجرای اصل مذکور هم قبل از انتخاب داوران و هم بعد از انتخاب داوران، طرفین دعوا را از ارتباط یک‌جانبه منع نموده است.

یادداشت‌ها

- ۱- بی طرف یعنی کسی که جانبداری نکند، کسی که تعصب ندارد. (حسن عمید، جلد اول، انتشارات امیرکبیر (۱۳۷۹) ص ۶ و ۴)

² -Objective and Subjective

³ -Financial Connection

⁴ -AAARules =American Arbitration Association International Arbitration Rules

⁶-National Neutrality

⁷-International Bar Association Ethics for International Arbitrators

⁸-Interchangeable

L

-

¹⁰- London Court of International Arbitration Rules =LCIA Rules, Art 5 (2)& (3)

¹¹-Every Arbitrator must be and Remain Independent of the Parties Involved in the Arbitration [Art 7 (1)]

¹²-An Alleged Lack of Independence or otherwise

¹³-Art(9): A Prospective Arbitrator shall Disclose to those who Approach him in connexion with his possible Appointment any Circumstances likely to give rise to Justifiable doubts as to his Impartiality or Independence.

¹⁴- That Circumstances exist that give rise to Justifiable doubts as to his Impartiality (section 24 (1) (a))

¹⁵-...He shall Disclose any Circumstances Likely to give rise to Justifiable as to his Impartiality or Independence...

¹⁶-Without delay

¹⁷-UNCITRAL Rules, Art.15(3)

فهرست منابع

۱- قرآن کریم

۲- آشوری، محمد و همکاران، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۳

۳- بلاغی، سید صدرالدین، عدالت و قضای اسلامی، امیر کبیر، تهران، چاپ سوم، ۱۳۵۸

۴- بروجردی، عبده، اصول محاکمات حقوقی، بیجا، بیتا، بینا

۵- تاپ من، مایکل، جرح و سلب صلاحیت از داوران در داوری تجاری بین-

المللی، مترجم، محمد جواد میرفخرایی، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین-المللی، ۱۳۶۹، شماره ۱۲

۶- جنیدی، لعیا، نقد و بررسی تطبیقی قانون داوری تجاری بین‌المللی، تهران،

انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی، چاپ اول، ۱۳۷۷

- ۷- الجمال، محمد مصطفی، عبدل العال، عکاسه محمد، التحکیم فی العلاقات الخاصه الدولیه والداخلیه، منشورات الحلبي الحقوقیه، بیروت، چاپ اول، ۱۹۹۸
- ۸- حسینی عاملی، محمد جواد، مفتاح الکرامه (تحقیق شیخ محمد باقر الخالصی)، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۹
- ۹- حرعاملی، شیخ محمد، وسایل الشیعہ، جلد ۱۸، نشر کتاب خانه اسلامی، تهران، چاپ پنجم، ۱۴۰۱
- ۱۰- شهیدی، سید جعفر، ترجمه نهج البلاغه، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ هفتم، ۱۳۷۴
- ۱۱- شهید ثانی، الروضه البهیة فی اللمعه الدمشقیه، نشر سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۵
- ۱۲- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، نشر میزان، تهران، جلد دوم، ۱۳۸۱
- ۱۳- صفایی، دکتر سید حسین، حقوق بین الملل و داوری های بین المللی، میزان، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۷
- ۱۴ - صفایی، دکتر سید حسین، سخنی چند در باره نوآوری ها و نارسایی های قانون داوری تجاری بین المللی ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تهران، ۱۳۷۷، شماره ۴۰
- ۱۵- عمید، حسن، فرهنگ عمید، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۹
- ۱۶- محدث نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل-البیت، قم، چاپ اول، ۱۴۰۷
- ۱۷- موسوی، محسن باقر، القضاء و النظام القضایی عند الامام، الغدیر، بیروت، چاپ اول، ۱۹۹۹
- ۱۸ - نجفی، شیخ محمد حسن، جواهر الکلام، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ هفتم، بیتا

20-Baker, S.A & Davis. D, Establishment of an Arbitral Tribunal under Rules, the Experience of Iran. Us Claims Tribunal, International Lawyers, vol.23, No.1, 1989

21-Benstein, Ronald & Tackaberry, Tohn , Marriott, Arthur L, Handbook of Arbitration Practice, London, Sweet & Maxwell, 1998

22-Bond, Stephen, the Selection of ICC Arbitrators and the Requirements of Independence, 1984

23-Calvo, A, M, the Challenge of the ICC Arbitration, Theory and Practice, Journal of International Arbitration, No.63, 1998

24-Fina, A.A De, the Party Appointed Arbitrator in International Arbitrations –Role and Selection , LCIA, vol.15, No4, 1999

25-Lalive, P, on the Neutrality of Arbitrator and place of Arbitration, Swiss, 1969

26-Redish ,Martin B & Lawrence C , varshal, Adjudicatory Independence and the values of procedural due process (YALE.L.J.455)2001

27-Park Paulsson, Craig, International chamber of Commerce Arbitration, Paris, Oceana & ICC, 1990

28-Van Den Berg .A, Justifiable Doubts as to the Arbitrator's Impartiality of Independence, (1997)

29- Vencent Guinchard, Procedure civile , Paris , Dalloz , 2003

30-Http://WIPO Arbitration and Mediation Center, World wide Forum on the Arbitration of Interlectual property Disputes, (1994)Geneva, Switzer Lan.